

ارتباط ابعاد کارکرد خانواده و خودتنظیمی فرزندان

A Study of the Relationship Between the Family Function Dimensions and Self-Regulation in Children

M. Hosseini

میترا حسینی

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

S. Samani, Ph.D.

دکتر سیامک سامانی

دانشیار، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی

دریافت مقاله: ۹۰/۱/۲۱

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۱/۵/۴

پذیرش مقاله: ۹۱/۸/۲۱

Abstract

Self-regulation is one of the most basic concepts in learning. The aim of present study was to exam the prediction of self-regulation (metacognitive strategy, cognitive strategy, motivation) by family functions. The sample included 397 (207 girls and 190 boys) students selected stratify random from different high schools of Shiraz city. Self-regulation scale and Family Assessment Device were used in this study.

چکیده:

هدف پژوهش حاضر بررسی میزان پیش‌بینی ابعاد خودتنظیمی فرزندان (راهبردهای فراشناختی، راهبردهای شناختی و انگیزش) توسط ابعاد کارکرد خانواده (پاسخدهی عاطفی، کارکرد هیجانی، درگیری عاطفی، نقش‌ها و میزان تعهد) می‌باشد. نمونه پژوهش شامل ۳۹۷ نفر از دانش‌آموزان پایه سوم دبیرستان شهر شیراز می‌شد (۲۰۷ دختر و ۱۹۰ نفر پسر). برای سنجش خودتنظیمی از مقیاس خودتنظیمی و برای ارزیابی کارکرد خانواده از مقیاس سنجش کارکرد خانواده استفاده شد.

✉ Corresponding Author: Educational Psychology, college of Edu and Psy. Marvdasht Branch, Islamic Azad University.
Email: samani@miau.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، واحد

مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی

پست الکترونیکی: samani@miau.ac.ir

Cornbach's alpha coefficient was calculated in order to determine the reliability of the measures. The results showed acceptable reliability and validity of the instruments. The results of multiple regression revealed that affective responsiveness is a significant predictor for metacognitive strategies and family roles is significant predictor for cognitive strategies. Also the results showed that emotional functioning is a significant predictor for motivation.

Keywords: Family Functioning, Self-Regulation, Gender.

روایی مقیاس‌ها از روش تحلیل عامل و پایایی آن‌ها به روش ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد، نتایج حاکی از روایی و پایایی قابل قبولی برای ابزارها بود. با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان قابلیت پیش‌بینی ابعاد کارکرد خانواده برای ابعاد خودتنظیمی فرزندان مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان دادند که پاسخدهی عاطفی پیش‌بینی‌کننده فراشناخت فرزندان بود و نقش‌ها قابلیت پیش‌بینی شناخت فرزندان را دارد، هم‌چنین کارکرد هیجانی خانواده پیش‌بینی‌کننده انگیزش فرزندان است.

کلیدواژه‌ها: کارکرد خانواده، خودتنظیمی، جنسیت.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین موضوعات شناختی مرتبط با یادگیری، مفهوم خودتنظیمی^۱ است که به وسیله متخصصان به شکل‌های متفاوتی تعریف شده است. از نظر پنتریچ و شانک^۲ (۲۰۰۲) خودتنظیمی روندی است که در آن دانش‌آموزان فعال می‌شوند و به شناخت و رفتارهایی دست می‌یابند که به طور سیستماتیک آن‌ها را به سوی هدفشان سوق می‌دهند.

مفهوم خودتنظیمی از نظریه شناختی - اجتماعی^۳ باندورا (۱۹۹۷) نشأت گرفته، مفروضه اصلی این نظریه این است که هر فردی حاصل تعامل سه دسته متغیرهای شخصی، محیط و رفتار است. بر اساس این نظریه خودتنظیمی تنها به وسیله فرایندهای شخصی تعیین نمی‌گردد، بلکه از عناصر محیطی و رفتاری به شیوه تعاملی تأثیر می‌پذیرد. قدرت نسبی تأثیرات خود، محیط و رفتار در این تعامل سه‌گانه، می‌تواند از طریق تلاش‌های شخصی برای خودتنظیمی، پیامدهای رفتاری عملکرد و تغییرات در محیط، تغییر کند.

به اعتقاد شانک (۲۰۰۱) خودتنظیمی شامل فرایندهایی است که منجر به فعال‌سازی و حفظ فعالیت‌های شناختی، رفتاری و عاطفی می‌شود. به بیان دیگر خودتنظیمی تلاش منظم برای دستیابی به هدف شخصی در قالب افکار، احساسات و اعمال می‌باشد. پنتریچ و دیگران^۴ (۱۹۹۰) در تعریف این مفهوم به سه مؤلفه راهبردهای شناختی^۵، راهبردهای فراشناختی^۶ و تدابیر و تلاش^۷

دانش‌آموزان اشاره می‌کنند. راهبردهای فراشناختی، فرد را در جهت طراحی، نظارت و اصلاح شناخت یاری می‌کنند (زیمرمن و مارتینز پونز، ۱۹۸۶). راهبردهای شناختی، به منظور بیان مجموعه‌ای وسیع از طرح‌ها و راهبردهای ذهنی است که افراد در حل مسئله و موقعیت یادگیری از آن‌ها برای درک بهتر مطلب، پردازش عمیق‌تر و به یادسپاری بهتر استفاده می‌کنند (پنتریچ و دیگران، ۱۹۹۰). راهبردهای مدیریت منابع^۸، راهبردهای تسهیل‌کننده هستند و افراد معمولاً برای کنترل و مدیریت محیط از آن‌ها استفاده می‌کنند، مانند زمان، انتخاب محیط مطالعه و بهره‌گیری از منابع اطلاعاتی و افراد کمک‌کننده مانند معلمان و همسالان (زیمرمن و مارتینز پونز، ۱۹۸۶).

بوفارد، بوریسورت، وزیو و لاروچه^۹ (۱۹۹۵) با اقتباس از الگوی ارزش - انتظار پنتریچ و دیگران (۱۹۹۰)، سه مؤلفه راهبردهای شناختی، راهبردهای فراشناختی و انگیزش را برای فرایند خودتنظیمی در نظر گرفتند. مطابق نظر این محققان راهبردهای فراشناختی شامل طرح و برنامه‌ای است که دانش‌آموزان در هنگام درس خواندن به کار می‌گیرند (مانند خلاصه‌نویسی و سازماندهی مطلب)، راهبردهای شناختی نیز دربرگیرنده راهبردهایی است که دانش‌آموزان برای به خاطر سپاری و درک مطلب و یادآوری از آن‌ها استفاده می‌کنند و در نهایت انگیزش، نشانگر میزان تمایل، علاقه و پیگیری دانش‌آموزان در ارتباط با مطالب درسی است.

از نظر باندورا یادگیری از طریق مشاهده^{۱۰} رفتار خود و پیامدهای رفتاری، مؤثرترین شیوه ادراک رفتار است و الگوگیری^{۱۱} افراد از محیط جزء تعیین‌کننده‌های محیطی یادگیری می‌باشد. بنابراین راهبردهای خودتنظیمی می‌توانند از طریق مشاهده الگوهایی که این راهبردها را به کار می‌برند، آموخته شوند (پنتریچ و شانک، ۲۰۰۲). یکی از عوامل محیطی تأثیرگذار بر سطح خودتنظیمی فرد، خانواده است. خانواده از نخستین نظام‌های نهادی و عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی‌های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت دارد. پنتریچ و شانک (۲۰۰۲) اعتقاد دارند که رشد عقلانی کودکان تحت تأثیر محیط خانوادگی قرار دارد و کیفیت یادگیری اولیه کودکان در محیط خانواده، رابطه مستقیمی با رشد هوشی در آنان دارد. این محققان هم‌چنین نشان می‌دهند که، شیوه فرزندپروری بر انگیزه تحصیلی فرزندان تأثیرگذار است. علاوه بر آن هنگامی که مادران، دید مناسبی نسبت به عملکرد کودکانشان داشته باشند، نسبت به توانایی‌های آن‌ها مطمئن بوده و برای تکالیف مدرسه ارزش قایل شوند، کودکان نیز باورهای انگیزشی مثبت خواهند داشت و خودتنظیمی را که شامل متغیرهای انگیزشی نیز می‌شود، تحت تأثیر قرار خواهند داد. کارمین، توژل، آکن و دیکوویچ^{۱۲} (زیر چاپ) در فراتحلیل خود پیرامون رابطه سبک فرزندپروری و خودتنظیمی به این نتیجه اشاره دارند که کنترل منفی والدین تأثیر منفی بر خودتنظیمی فرزندان دارد و کنترل مثبت بر خودتنظیمی فرزندان تأثیر مثبت و سازنده دارد.

نظریه‌پردازان سیستمی، خانواده را یک سیستم در نظر می‌گیرند. سیستمی که در آن اعضا بر هم تأثیر گذاشته و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند؛ تعاملات الگوهایی را به‌وجود می‌آورند، مبنی بر این‌که چه‌طور، چه وقت و با چه کسی ارتباط برقرار شود، عملکرد خانواده از طریق الگوهای مرادده‌ای صورت می‌گیرد. کارکرد سالم، عبارت است از این‌که تا چه اندازه الگوهای خانواده در کسب هدف‌های آن مؤثر و سودمند واقع شده‌اند. در مقابل ناکارآمدی، به الگوهای غیرسودمند و تعاملات همراه با استرس اشاره دارد.

از بین مدل‌های مبتنی بر تئوری سیستمی، مدل مک‌مستر (۱۹۹۳)، برای خانواده مطلوب ارائه شده است. این مدل برای اولین بار توسط اپشتاین، ریان، بیشاپ، میلر، کیتنر در سال ۱۹۷۸ مطرح شد. بر اساس این مدل کارکردهای ضروری خانواده، نقش‌هایی است که باید برای کارکرد سالم‌تر خانواده انجام گیرد. نقش‌ها در قالب رفتارهایی تکراری موجود در مجموعه‌ای از فعالیت‌های دو جانبه با سایر اعضای خانواده تعریف شده‌اند. کارکردهای ضروری شامل، تأمین امور مادی، تغذیه، حمایت اعضای خانواده و ایجاد مهارت‌های زندگی و حفظ و کنترل سیستم خانواده می‌شود (بارکر، ۱۹۸۶).

مدل مک‌مستر شش جنبه کارکرد خانواده را مدنظر قرار داده و از این طریق کارایی خانواده را در انجام وظایف ارزیابی می‌کند. در هر بعد، مفاهیم به عنوان یک طیف از کارکرد، از غیر تأثیرگذار به تأثیرگذاری زیاد، تعریف شده‌اند. فرض می‌شود که کارکردهای غیر تأثیرگذار در هر بعد می‌توانند وضعیتی را بیان کنند که احتیاج به دخالت‌های درمانی دارد و کارکردهای تأثیرگذار از سلامت آن کارکرد خبر می‌دهند.

ابعاد این الگو عبارتند از:

حل مسئله^{۱۳}: شامل توانایی خانواده برای شناسایی مشکل، بررسی و اقدام به حل آن، ارزیابی نتایج و برقراری سازگاری‌های لازم، است.

ارتباط^{۱۴}: تبادل اطلاعات، به صورت مستقیم، تأثیرگذار و روشن است و بیشتر به‌صورت رفتارهای کلامی است.

نقش‌ها^{۱۵}: الگوهای رفتاری موجود در فعالیت‌های تعاملی است. برای برقرار کردن یک سیستم سالم و تأثیرگذار ضروری است.

پاسخدهی عاطفی^{۱۶}: به حالتی گفته می‌شود که خانواده نیازهای هیجانی همه اعضایش را برآورده می‌کند تا به مرحله‌ای از رشد برسند، یعنی به موقعیت‌های مختلف با هیجان‌های مناسب پاسخ دهند.

درگیری عاطفی^{۱۷}: جلوه‌ای از پاسخگویی عاطفی است و به ابراز رضایت از درجه و کیفیت علاقه و نگرانی اعضای خانواده نسبت به یکدیگر برمی‌گردد.

کنترل رفتار^{۱۸}: این بعد از تأثیرات اعضای خانواده بر یکدیگر تشکیل می‌شود و شامل قواعد و حدود درجه آزادی برای رفتار است (اپشتاین، ریان، بیشاپ، میلر، کیتنر، ۱۹۹۳)^{۱۹}.

از آنجا که برنامه‌های آموزشی در زمینه بالا بردن سطح خودتنظیمی در کودکان مؤثر واقع می‌شود، والدین و معلمان نقش مؤثری در رشد این ویژگی ایفا می‌کنند (دیگنیت، بوتنر و لنگفلت^{۲۰}، ۲۰۰۸). حمایت والدین از استقلال فرزندان می‌تواند در به‌وجود آوردن حس خودتنظیمی در آنها مؤثر واقع شود. همچنین ارزیابی صحیح معلمان از قابلیت‌ها و توانایی‌های دانش‌آموزان در سازگاری آنها با محیط مدرسه و خودتنظیمی آنان در یادگیری نقش به‌سزایی دارد (گروولیک و ریان^{۲۱}، ۱۹۸۹). می‌توان گفت فرایندهای اجتماعی خانواده، اسنادهای کودکان و تجربیات پیش از مدرسه جمع می‌شوند تا شایستگی و موفقیت در خودتنظیمی را که زمینه‌ساز موفقیت در مدرسه است، را پیش‌بینی کنند (پیانتا، استینبرگ، رولینز^{۲۲}، ۱۹۹۵). با این مقدمه این پژوهش به تبیین نقش کارکردهای خانواده در خودتنظیمی فرزندان از طریق پاسخ به سوالات زیر می‌پردازد:

آیا کارکردهای خانواده دارای قدرت پیش‌بینی معناداری برای ابعاد خودتنظیمی (شناخت، فراشناخت و باور انگیزشی) می‌باشند؟ آیا کارکردهای خانواده دارای قدرت پیش‌بینی معناداری برای ابعاد خودتنظیمی (شناخت، فراشناخت و باور انگیزشی) در دختران می‌باشند؟ آیا کارکردهای خانواده دارای قدرت پیش‌بینی معناداری برای ابعاد خودتنظیمی (شناخت، فراشناخت و باور انگیزشی) در پسران می‌باشند؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش، دانش‌آموزان پایه سوم دبیرستان شهر شیراز بوده، که در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷ مشغول به تحصیل بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی، از بین نواحی چهارگانه شهر شیراز، به طور تصادفی نواحی ۲ و ۴، و از هر ناحیه دو دبیرستان (یک دبیرستان دخترانه و یک دبیرستان پسرانه) و از هر دبیرستان به طور تصادفی دو کلاس از پایه سوم انتخاب شد. حجم نمونه ۳۹۷ نفر بود که از این تعداد، ۲۰۷ نفر دختر و ۱۹۰ نفر پسر بودند. لازم به توضیح است که حجم نمونه بر اساس نرم‌افزار تعیین حجم نمونه^{۲۳} (Raosoft) با سطح اطمینان ۹۵ درصد، خطای ۵ درصد و مقدار $P=50$ محاسبه گردید که حجم پیشنهادی این نرم‌افزار ۳۵۷ نفر بود که به دلیل خوشه‌ای بودن روش نمونه‌گیری حجم نمونه به ۳۹۷ نفر افزایش یافت. لازم به توضیح است با توجه به تأثیر رشته تحصیلی بر خودتنظیمی دانش‌آموزان، در مطالعه گروه نمونه از دانش‌آموزان پایه سوم متوسطه رشته تجربی انتخاب شدند تا تأثیر رشته بر خودتنظیمی کنترل شود.

ابزار پژوهش

مقیاس سنجش کارکرد خانواده: این مقیاس برای سنجش عملکرد خانواده بر اساس الگوی مک‌مستر (۱۹۷۸) تدوین شده است. این ابزار در سال ۱۹۸۳ توسط اپشتاین، بالدوین و بیشاب طراحی شده که دارای ۵۳ ماده، با هدف توصیف ویژگی‌های سازمانی و ساختاری خانواده تهیه شده است. این مقیاس، کارکرد خانواده را در قالب ۷ عامل ارزیابی می‌کند. این عوامل عبارتند از: حل مسئله، ارتباطات، نقش‌ها، پاسخدهی عاطفی، درگیری عاطفی، کنترل رفتار و کارکرد کلی (اپشتاین، بالدوین و بیشاب، ۱۹۸۳).

اپشتاین، بالدوین و بیشاب (۱۹۸۳) ضرایب آلفای کرونباخ مربوط به ابعاد مقیاس سنجش کارکرد خانواده را بین نقش‌ها ۰/۷۲ و کارکرد کلی ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. در این مطالعه مقیاس ۵۳ گویه‌ای اندازه‌گیری خانواده مورد تحلیل قرار گرفت. مقدار ضریب KMO برابر با ۰/۹۰ بود و بیانگر کفایت محتوای مقیاس به منظور انجام تحلیل عامل بود. همچنین، مقدار آزمون کروییت بارتلت برابر با ۵۳۲۴/۰۸ و در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بود. ساختار ۵ عاملی مناسب‌ترین ساختار برای این مقیاس تشخیص داده شد. عامل اول، شامل ۷ عبارت عنوان پاسخدهی عاطفی را به خود گرفت. عامل دوم، دارای ۷ عبارت بود با عنوان کارکرد هیجانی، عامل سوم، شامل ۴ عبارت با عنوان درگیری عاطفی، عامل چهارم، با ۴ عبارت و عنوان نقش‌ها و عامل پنجم، شامل ۳ عبارت با عنوان میزان تعهد نام‌گذاری شدند. در مطالعه حاضر به منظور بررسی پایایی مقیاس سنجش کارکرد خانواده از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ مربوط به کل مقیاس برابر با ۰/۸۳ و برای ابعاد مقیاس بین میزان تعهد ۰/۴۳ و کارکرد هیجانی ۰/۷۰ محاسبه شده است.

پرسشنامه خودتنظیمی: این پرسشنامه توسط بوفارد، بوریسورت، وزیو و لاروچه^{۲۴} در سال ۱۹۹۵، با بهره‌گیری از مقیاس‌های مختلف (آیمز و آرچر، ۱۹۸۸؛ پنتریچ و دیگرورت، ۱۹۹۰) در ۱۹ پرسش و سه عامل تنظیم شده است. عامل اول متشکل از ۷ گویه بعد راهبردهای فراشناخت^{۲۵} را تشکیل می‌دهد، عامل دوم شامل ۹ گویه، بعد راهبردهای شناخت را مورد ارزیابی قرار می‌داد و عامل سوم شامل ۳ گویه بود و بعد انگیزش را تشکیل می‌داد. این پرسشنامه توسط جوکار (۱۳۸۴) مورد تحلیل عامل قرار گرفت، از ۱۹ پرسش، ۱۳ مورد مناسب تشخیص داده شد. ۶ سوال در بعد فراشناخت، ۴ تا در بعد شناخت و ۳ گویه در بعد انگیزش قرار گرفت.

در پژوهش جوکار (۱۳۸۴) پایایی به روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید، که برای عوامل فراشناخت، شناخت و انگیزش به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۵۵، ۰/۵۰، گزارش شده است. آلفای کرونباخ پرسشنامه اصلی بوفارد و همکاران (۱۹۹۵) برای این عوامل به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۷۸، ۰/۶۸ بوده که کاهش مشاهده شده به خاطر جابه‌جایی و کاهش پرسش‌ها گزارش شده است. در پژوهش حاضر، از پرسشنامه خودتنظیمی ترجمه جوکار (۱۳۸۴) استفاده شد. پایایی پرسشنامه خودتنظیمی از روش

آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت. ضریب آلفای کرونباخ مربوط به کل مقیاس برابر با ۰/۷۵ محاسبه شد. برای تعیین روایی مقیاس سنجش کارکرد خانواده، روش آماری تحلیل عوامل به کار گرفته شد. مقدار ضریب KMO برابر با ۰/۸۱ بود و بیانگر کفایت نمونه محتوای مقیاس به منظور انجام تحلیل عامل می‌باشد. هم‌چنین، مقدار آزمون کرویت بارلت در سطح ۰/۰۰۰۱ معنادار بود.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش به منظور فراهم کردن مقدمات اولیه برای مطالعه دقیق به محاسبه میانگین و انحراف معیار پرداخته است. جدول شماره یک نشانگر این شاخص‌ها می‌باشد. همان‌طور که در جدول پیداست ضرابی که در سطح $p < 0.05$ معنادار می‌باشند، با (*) و ضرابی که با $p < 0.01$ معنادار هستند با (**) نمایش داده شده است.

جدول ۱: ماتریس همبستگی خودتنظیمی و کارکرد خانواده و ابعاد آن‌ها

متغیر	۱. پاسخدهی عاطفی	۲. کارکرد هیجانی	۳. درگیری عاطفی	۴. نقش‌ها	۵. میزان تعهد	۶. نمره کلی کارکرد خانواده	۷. فراشناخت	۸. شناخت	۹. انگیزش	۱۰. نمره کلی خودتنظیمی
میانگین	۵۸/۱۲	۵۷/۶	۷/۵۷	۱۱/۲۸	۱۶/۸۹	۱۷	۴۲/۴۱	۹/۶۷	۱۴/۰۷	۱۸/۵۴
انحراف معیار	۹/۷۵	۱/۶۰	۲/۴۰	۲/۱۳	۳/۹۴	۳/۷۸	۸/۵۳	۲/۸۷	۳/۲۹	۴/۹۴
۲	**،/۴۷	۱								
۳	**،/۳۶	**،/۲۸	۱							
۴	**،/۴۴	**،/۴۴	**،/۳۳	۱						
۵	**،/۱۹	**،/۲۹	**،/۳۶	**،/۱۶	۱					
۶	**،/۸۰	**،/۸۰	**،/۵۸	**،/۶۸	**،/۴۴	۱				
۷	**،/۲۸	**،/۲۰	**،/۲۳	**،/۲۶	**،/۱۹	**،/۳۱	۱			
۸	**،/۱۴	**،/۰۸	-،/۰۶	**،/۲۲	**،/۱۲	**،/۱۴	**،/۴۴	۱		
۹	**،/۲۲	**،/۰۳۸	-،/۰۹	**،/۰۲۵	**،/۰۱۶	**،/۰۳۲	**،/۰۳۸	**،/۰۱۶	۱	
۱۰	**،/۰۲۸	**،/۰۲۷	**،/۰۱۹	**،/۰۳۳	**،/۰۲۲	**،/۰۳۳	**،/۰۸۸	**،/۰۷۰	**،/۰۶۳	۱

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه

به منظور بررسی قدرت هر یک از ابعاد کارکرد خانواده برای پیش‌بینی ابعاد خودتنظیمی، از تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان استفاده شد. نتایج حاصل به تفکیک ابعاد خودتنظیمی و هم‌چنین جنسیت نمونه مورد بررسی، در جداول مربوطه نشان داده شده است. نتایج تحلیل رگرسیون، جهت پیش‌بینی بعد فراشناخت، شناخت و انگیزش در خودتنظیمی، بر اساس ابعاد کارکرد خانواده در جدول شماره دو ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج تحلیل رگرسیون، جهت پیش‌بینی بعد فراشناخت خودتنظیمی

بر اساس ابعاد کارکرد خانواده

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین	B	Beta	T	P	R	R2	F	df	P<
فراشناخت	پاسخدهی عاطفی	-۰/۲۴	-۰/۱۹	-۲/۷۷	۰/۰۰۶	۰/۳۲	۰/۱۱	۶/۸۴	۲۹۸۵	۰/۰۰۱
	کارکرد هیجانی	-۰/۰۱	-۰/۰۱	-۰/۱۶	۰/۸۷۴					
	درگیری عاطفی	-۰/۱۹	-۰/۰۸	-۱/۳۶	۰/۱۷۵					
	نقش‌ها	-۰/۱۷	-۰/۰۸	-۱/۲۳	۰/۲۲۰					
	میزان تعهد	-۰/۳۳	-۰/۳۳	-۱/۷۸	۰/۰۷۷					
شناخت	پاسخدهی عاطفی	-۰/۰۷	-۰/۰۹	-۱/۲۶	۰/۲۰۹	۰/۲۳	۰/۰۵	۳/۳۶	۳۰۷۵	۰/۰۰۶
	کارکرد هیجانی	۰/۰۷	۰/۰۸	۱/۱۹	۰/۲۳۴					
	درگیری عاطفی	۰/۰۹	۰/۰۶	۰/۹۶	۰/۳۳۹					
	نقش‌ها	-۰/۲۷	-۰/۱۹	-۲/۹۲	۰/۰۰۴					
	میزان تعهد	-۰/۲۲	-۰/۱۱	-۱/۷۹	۰/۰۷۵					
انگیزش	پاسخدهی عاطفی	-۰/۰۵	-۰/۰۷	-۱/۰۶	۰/۲۹	۰/۳۶	۰/۱۳	۸/۱۸	۳۰۸۵	۰/۰۰۱
	کارکرد هیجانی	-۰/۲۲	-۰/۲۹	-۴/۴۹	۰/۰۰۰۱					
	درگیری عاطفی	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۱۶	۰/۸۸۷					
	نقش‌ها	-۰/۰۳	-۰/۰۲	-۰/۳۴	۰/۷۳۷					
	میزان تعهد	-۰/۰۸	-۰/۰۴	-۰/۷۶	۰/۴۴۶					

نتایج تحلیل رگرسیون، جهت پیش‌بینی ابعاد فراشناخت، شناخت و انگیزش خودتنظیمی در دختران، بر اساس ابعاد کارکرد خانواده در جدول شماره سه ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون جهت پیش‌بینی بعد فراشناخت خودتنظیمی در دختران

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین	B	Beta	T	P	R	R2	F	df	P<
فراشناخت	پاسخدهی عاطفی	-۰/۲۶	-۰/۲۱	-۲/۱۱	۰/۰۳۶	۰/۳۳	۰/۱۱	۳/۸۱	۵،۱۶۰	۰/۰۰۲
	کارکرد هیجانی	-۰/۰۵	-۰/۰۴	-۰/۴۰	۰/۶۸۸					
	درگیری عاطفی	-۰/۱۳	-۰/۰۶	-۰/۶۴	۰/۵۱۷					
	نقش‌ها	-۰/۱۶	-۰/۰۷	-۰/۸۱	۰/۴۱۴					
	میزان تعهد	-۰/۲۰	-۰/۰۶	-۰/۷۶	۰/۴۴۴					
شناخت	پاسخدهی عاطفی	-۰/۱۱	-۰/۱۳	-۱/۲۲	۰/۲۲۳	۰/۱۶	۰/۰۳	۰/۸۶	۵،۱۶۲	۰/۵۰
	کارکرد هیجانی	۰/۱۰	۰/۱۲	۱/۲۴	۰/۲۱۵					
	درگیری عاطفی	۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۵۳	۰/۵۹۹					
	نقش‌ها	-۰/۷۲	-۰/۰۸	-۰/۸۵	۰/۳۹۵					
	میزان تعهد	-۰/۱۷	-۰/۰۸	-۰/۹۵	۰/۳۴۲					
انگیزش	پاسخدهی عاطفی	-۰/۰۴	-۰/۰۶	-۰/۶۱	۰/۵۳۹	۰/۴۷	۰/۲۲	۹/۱۴	۵،۱۶۳	۰/۰۰۱
	کارکرد هیجانی	-۰/۲۹	-۰/۴۰	-۴/۶۰	۰/۰۰۰۱					
	درگیری عاطفی	۰/۰۹	۰/۰۶	۰/۷۶	۰/۴۵۰					
	نقش‌ها	-۰/۱۶	-۰/۱۲	-۱/۴۱	۰/۱۶۱					
	میزان تعهد	۰/۰۷	۰/۰۴	۰/۴۵	۰/۶۵۲					

به منظور پیش‌بینی ابعاد فراشناخت، شناخت و انگیزش خودتنظیمی در پسران، بر اساس ابعاد کارکرد خانواده، نتایج تحلیل رگرسیون در جدول شماره چهار آورده شده است.

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون، جهت پیش‌بینی بعد فراشناخت خودتنظیمی در پسران

P<	df	F	R2	R	P	T	Beta	B	متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک
۰/۰۲	۵,۱۳۷	۲/۸۵	۰/۱۰	۰/۳۱	۰/۰۹۰	-۱/۷۱	-۰/۱۶	-۰/۲۲	پاسخدهی عاطفی	فراشناخت
					۰/۷۶۹	۰/۲۹	۰/۰۳	۰/۰۴	کارکرد هیجانی	
					۰/۲۰۰	-۱/۲۹	-۰/۱۲	-۰/۲۶	درگیری عاطفی	
					۰/۳۵۱	-۰/۹۴	-۰/۰۹	-۰/۱۹	نقش‌ها	
					۰/۰۹۰	-۱/۷۱	-۰/۱۵	-۰/۴۶	میزان تعهد	
۰/۰۹	۵,۱۴۴	۱/۹۶	۰/۰۷	۰/۲۶	۰/۴۸۴	-۰/۷۰	-۰/۰۶	-۰/۰۶	پاسخدهی عاطفی	شناخت
					۰/۶۵۰	۰/۴۶	۰/۰۵	۰/۰۴	کارکرد هیجانی	
					۰/۴۹۵	۰/۶۸	۰/۰۶	۰/۰۹	درگیری عاطفی	
					۰/۰۲۲	-۲/۳۱	-۰/۲۲	-۰/۳۱	نقش‌ها	
					۰/۱۴۲	-۱/۴۷	-۰/۱۳	-۰/۲۵	میزان تعهد	
۰/۰۸	۵,۱۴۴	۲/۰۵	۰/۰۷	۰/۲۶	۰/۶۵۰	-۰/۴۶	-۰/۰۴	-۰/۰۳	پاسخدهی عاطفی	انگیزش
					۰/۰۷۰	-۱/۸۳	-۰/۱۸	۰/۱۴	کارکرد هیجانی	
					۰/۵۱۶	-۰/۶۵	-۰/۰۶	-۰/۰۸	درگیری عاطفی	
					۰/۶۲۸	۰/۴۸	۰/۰۵	۰/۰۶	نقش‌ها	
					۰/۱۷۲	-۱/۳۷	-۰/۱۲	-۰/۲۱	میزان تعهد	

بحث

نتایج حاصل از پژوهش‌های مختلف حاکی از تأثیر معنادار سبک فرزندپروری بر ابعاد مختلف خود دارد. همان‌طور که پیشتر اشاره شد فراتحلیل کارمین، توژل، اکن و دیکوویچ (زیر چاپ) نشانگر تأثیر کیفیت کنترل بر شکل‌گیری خودتنظیمی در فرزندان دارد. به عقیده این محققان هرچه کنترل نامناسب باشد و مبتنی بر کنترل رفتاری محض و بدون انعطاف باشد، خودتنظیمی فرزندان دچار آسیب می‌گردد و هرچه این کنترل مناسب‌تر و با انعطاف باشد، خودتنظیمی در فرزندان شکل بهتری به خود می‌گیرد. وحیدی، مصطفوی و مرتضی‌نژاد (۲۰۰۹) نیز در مطالعه خود پیرامون رابطه خودتنظیمی و سبک فرزندپروری در گروه دانشجویان به این نتیجه رسیدند. فرزندپروری ساختماند تأثیر مثبت معنادار بر خودتنظیمی فرزندان دارد. در همین راستا اردن و یوریدی^{۲۶} (۲۰۰۸) در مطالعه خود نشان دادند که سبک فرزندپروری مقتدر تأثیر مثبت معناداری بر شکل‌گیری باورهای انگیزشی مناسب و خودتنظیمی مناسب‌تر دارد. این پیش‌درآمد نتایج حاصل از این مطالعه را تصریح می‌نماید.

همان‌گونه که اشاره شد هدف از این پژوهش پیش‌بینی ابعاد خودتنظیمی نوجوانان بر اساس ابعاد کارکرد خانواده آن‌ها بود. همچنین این پیش‌بینی به تفکیک جنسیت در دختران و پسران

بررسی شد. بر مبنای یافته‌های این تحقیق می‌توان به این نتیجه رسید که بین سلامت کارکرد خانواده و خودتنظیمی فرزندان ارتباط مثبت معناداری وجود دارد. برای پیش‌بینی بعد فراشناخت خودتنظیمی، پاسخدهی عاطفی در کارکرد خانواده از قدرت پیش‌بینی‌کنندگی معناداری برخوردار می‌باشد. در توجیه احتمالی این یافته می‌توان گفت، پاسخدهی عاطفی کارآمد در خانواده فرصت ابراز وجود و بیان احساسات و نظرات شخصی را به فرزندان می‌دهد و نقد مکرر نظرات و شیوه بیان آن‌ها و این‌که راهبردهای فرد مورد سؤال قرار می‌گیرد، باعث رشد فراشناخت فرزندان می‌شود. می‌توان گفت، پاسخدهی عاطفی فراهم‌کننده آزمون روش فکر کردن است. در بسیاری از موارد فرزندان در مورد شیوه‌های مطالعه صحیح و نحوه استفاده از راهبردهای شناختی از اعضای خانواده سؤالاتی می‌پرسند که در صورت وجود جو عاطفی پاسخگو، احتمال دریافت بازخوردهای مناسب بیشتر می‌باشد. هم‌چنین در چنین فضایی، احتمال پذیرش راهنمایی‌های اعضا توسط نوجوان بیشتر خواهد بود. خانواده و جو عاطفی حاکم بر آن، با دادن مجال و فرصت برای تنظیم و استفاده از راهبردها رابطه دارد. چراکه خودتنظیمی و تنظیم راهبردها نیاز به این دارد که همه چیز برای فرد توسط اطرافیان تعیین نشود و به فرد فرصتی برای به کار بردن عقاید شخصی داده شود. فراشناخت با سلامت روان در ارتباط است (امینی، ۱۳۸۶)؛ تحقیقات نشان‌دهنده رابطه بین ابعاد فراشناخت و انواع متفاوتی از اختلالات روانی به ویژه اختلالات عاطفی است که از آن جمله می‌توان به اضطراب امتحان اشاره کرد (ولز، ۲۰۰۴؛ به نقل از امینی، ۱۳۸۶). میزان کارایی پاسخدهی عاطفی خانواده با بروز نگرانی‌ها، اضطراب امتحان و چگونگی حل آن‌ها در ارتباط است.

بعد شناخت خودتنظیمی، توسط بعد نقش‌ها قابل پیش‌بینی است. در توجیه احتمالی این یافته می‌توان گفت که، پایه‌های رشد شناختی کودک در خانواده شکل می‌گیرد. ارتباطات بین اعضا و میزان تعامل با فرزندان رشد شناختی آنان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. به کار بردن راهنمایی‌های متناسب با سطح رشد شناختی فرزند، در موقعیت‌های چالش‌انگیز، می‌تواند موجبات استفاده بهتر از راهبردهای شناختی را برای آنان فراهم کند. علاوه بر این فرد حل مسئله را از بین مرادوات و ارتباطات خانوادگی می‌آموزد و می‌تواند این توانایی را به مسائل آموزشی خود نیز تعمیم دهد. تعاملات با رویکرد دموکراتیک اجازه دخالت در تصمیم‌گیری در مسائل را به نسبت سن اعضا به آن‌ها می‌دهد و قرار گرفتن در این موقعیت‌های چالش‌انگیز و سعی در حل مسائل، علاوه بر کمک به رشد شناختی فرد، به او می‌آموزد که در هر موقعیت راهبرد مناسب را انتخاب و اجرا کند. عدم وجود ارتباطات مناسب و الگوهای تعاملی کارآمد، می‌تواند با اختلال در بسیاری از عملکردهای ذهنی مانند یادگیری و پردازش اطلاعات در ارتباط باشد؛ تا آن‌جا که وجود اختلال کمبود توجه و بیش‌فعالی با کارایی کمتر در کارکرد خانواده ارتباط دارد و این خانواده‌ها مشکلات بیشتری در روابطشان دارند؛

علاوه بر این که روابط بین والدین و فرزندان ضعیفتر است، توانایی حل مسئله و مسئولیت پذیری نیز در این گروه کمتر است.

کارکرد هیجانی خانواده، بعد انگیزش خودتنظیمی را با ضریب معناداری پیش بینی می کند. هوانگ (۲۰۰۷) دریافت که شیوه های فرزند پروری والدین و میزان برقراری ارتباط حمایت گرانه از فرزندان، با ایجاد انگیزه به یادگیری در آنان رابطه معناداری دارد. در توجیه احتمالی این یافته می توان چنین گفت که، عملکرد ناکارآمد خانواده در بعد هیجانی می تواند موجب به وجود آمدن احساس اضطراب در فرزندان شود. عدم توجه به نیازهای عاطفی و اجتماعی فرزندان و وجود احساسات ناخوشایند در خانواده می تواند موجبات بروز آشفتگی و اضطراب را در آنها به وجود آورد و این به نوبه خود تأثیرات منفی در میزان انگیزش آنها خواهد داشت. ارزیابی فرد از عملکرد تحصیلی در خانواده شکل می گیرد و واکنش های والدین نسبت به موفقیت یا شکست فرزندان در میزان انگیزش آنها تأثیرگذار خواهد بود. از آنجایی که عزت نفس با انگیزه پیشرفت رابطه مثبت دارد، جو هیجانی کارآمد در خانواده با تأثیر بر عزت نفس می تواند میزان انگیزه فرزندان را تحت تأثیر قرار دهد. رفتار والدین دموکرات عزت نفس را در فرزندان بالا برده و این به نوبه خود موجب احساس خودکارآمدی قوی تر و انگیزه بالاتر برای رسیدن به اهداف می شود.

نتایج پیش بینی ابعاد خودتنظیمی بر اساس ابعاد کارکرد خانواده به تفکیک جنسیت نمونه مورد بررسی، حاکی از آن است که بعد پاسخدهی عاطفی در کارکرد خانواده برای بعد فراشناخت خودتنظیمی در دختران و بعد کارکرد هیجانی خانواده برای بعد انگیزش خودتنظیمی در مورد آنان، از قدرت پیش بینی کنندگی معناداری برخوردار است. در مورد پسران بعد نقش ها در کارکرد خانواده برای بعد شناخت خود تنظیمی در آنان، از قدرت پیش بینی کنندگی معناداری برخوردار است. در توجیه احتمالی این یافته می توان چنین گفت که از آنجایی که دختران به ارزشیابی بیرونی بیشتر از پسران بها می دهند، هم چنین از لحاظ عاطفی بیشتر تحت تأثیر جو حاکم بر خانواده قرار می گیرند، ابعاد پاسخدهی عاطفی و کارکرد هیجانی ابعاد فراشناخت و انگیزش خودتنظیمی آنان را پیش بینی می کنند. الگوهای مراددهای و تعریف روشنی از نقش ها در خانواده که باعث به وجود آمدن ارتباطات منطقی بین اعضا می شود، بعد شناخت خودتنظیمی پسران را پیش بینی می کند. پسران بیشتر از دختران تحت تأثیر مراددهای منطقی خانوادگی قرار می گیرند.

پی نوشت ها

1. Self- regulation
2. Pintrich and Schunk
3. Social- cognitive theory
4. Pintrich and De Groot
5. General cognitive skills
14. comunication
15. Roles
16. Affective responsiveness
17. Affective involvement
18. Behavior control

- | | |
|--|--|
| 6. Meta cognition | 19. Epstein, Ryan, Bishop, Miller, Keitner |
| 7. Management strategy | 20. Dignath, Buettner, Langfeldt |
| 8. resources management | 21. Grolnick, Ryan |
| 9. Bouffard, Borisvert, Vezeau, Larouche | 22. Pianta, Steinberg, Rollins |
| ۲۳. این نرم افزار از طریق آدرس http://www.raosoft.com/samplesize.html قابل دسترس می‌باشد. | |
| 10. Observation | 24. Bouffard, Borisvert, Vezeau, Larouche |
| 11. Modeling | 25. Meta cognition |
| 12. Karreman, Tuijl, Aken., & Deković, | 26. Erden & Uredi |
| 13. Problem solving | |

منابع

امینی، ز. م. (۱۳۸۶). بررسی رابطه باورهای فراشناختی با سلامت روانی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر شهرستان اشنویه. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۶(۱۹)، ۱۵۴-۱۴۱.

بارکر، ف. (۱۳۸۲). *خانواده‌درمانی پایه* (ترجمه م. دهقانی و زهرا دهقانی). تهران: انتشارات رشد.

جوکار، ب. (۱۳۸۴). بررسی رابطه هدف‌گرایی و خودتنظیمی در دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی دانشگاه شیراز. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲۲(۴)، ۷۱-۵۶.

- Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*. New York: W.H. Freeman.
- Dignath, C., Buettner, G., & Langfeldt, H. P. (2008). How can primary school students learn self-regulated learning strategies most effectively? *Educational Research Review*, 3, 101-129.
- Epstein, B. E., Ryan, C. E., Bishop, D. S., Miller, I. W., & Keitner, G. I. (1993). The Mc Master model: A view of healthy family functioning. *Healthy Couple and Family Processes*, 21, 581-607.
- Epstiein, N. B., Baldwin, L. M., & Bishop, D. S. (1983). The Mc Master Family Assessment Device. *Journal of Marital and Family Therapy*, 9, 171-180.
- Erden, M., & Uredi, I. (2008). The effect of perceived parenting styles on self-regulated learning strategies and motivational beliefs. *International Journal about Parents in Education*, 2(1), 25-34.
- Grolnick, W. S., & Ryan, R. M. (1989). Parent styles associated with children's self-regulation and competence in school. *Journal of educational psychology*, 81, 143-154.
- Hoang, T. N. (2007). The relations between parenting and adolescent motivation. *International Journal of Whole Schooling*, 3, 1-21.
- Karreman, A., Van Tuijl, C., Van Aken, M. A. G., & Deković, M. (in press). Parenting and self-regulation in preschoolers: A meta-analysis. *Infant and Child Development*.
- Pianta, R. C., Steinberg, M. S., & Rollins, K. B. (1995). The first two years of school: Teacher- child relationships and deflections in children's classroom adjustment. *Development and Psychopathology*, 7, 295-312.
- Pintrich, P. R., & Schunk, D. H. (2002). *Motivation in education: Theory, research and application* (2nd ed.). Upper Saddle River, NJ: Merrill Prentice Hall.

- Pintrich, P. R., & Degroot, E. V. (1990). Motivational and self-regulated learning components of classroom academic performance. *Journal of Educational Psychology*, 82, 33-40.
- Schunk, D. H. (2001). Self-regulation through goal setting. *ERIC Document Reproduction Service*, 4, 1-8.
- Vahidi, M., Mostafavi, F., & Mortezaejad, H. (2009). Self-regulation and dimensions of parenting styles predict psychological procrastination of undergraduate students. *Iranian Journal of Psychiatry*, 4, 147-154
- Zimmerman, B. J., & Martinez-Pons, M. (1986). Construction validation of Student Self-Regulated Learning. *Journal of Educational Psychology*, 11, 314-332.
- Dignath, C., Buettner, G., Langfeldt, H.P.(2008). How Can Primary School Students Learn Self-Regulated Learning Strategies Most Effectively? *Educational Research Review*. 3, 101-129.
- Erden, M., & Uredi, I. (2008) The Effect of Perceived Parenting Styles on Self-Regulated Learning Strategies and Motivational Beliefs. *International Journal about Parents in Education*, Vol..2, No. 1, 25-34
- Karreman, A., Van Tuijl, C., Van Aken, M. A. G., & Deković, M. (in press). Parenting and self-regulation in preschoolers: A meta-analysis. *Infant and Child Development*.
- Vahidi, M., Mostafavi, F., & Mortezaejad, H. (2009). Self-Regulation and Dimensions of Parenting Styles Predict Psychological Procrastination of Undergraduate Students. *Iranian Journal of Psychiatry*, 4:147-154.
- Zimmerman, B. J., Martinez-Pons, M.(1986). Construction Validation of Student Self-Regulated Learning. *Journal of Educational Psychology*. 11, 314-332.